

بِنا مَحْسَنَدِ اَوْ نَدِ جان و حَسَنَدِ

آرغون

مِهیدِ نَافِزِ هِخامِ نَشِی

حَسَن شیدا



BUD BOOKS

سرشناسه : شهیدا، حسن، ۱۳۳۲ -
 عنوان و نام پدیدآور : آتوسا: مهین بانوی هخامنشی / نویسنده حسین شهیدا.
 مشخصات نشر : تهران: نشر باد، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۲۶۲ ص.
 فروست : نشر باد: ۱۱.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۲۷-۱۰۰۹
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 عنوان دیگر : مهین بانوی هخامنشی.
 موضوع : داستان‌های فارسی - قرن ۱۲
 موضوع : داستان‌های تاریخی - قرن ۱۲
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ ۲۵/۲۱۵۵/ ۸۱۳۰ PIR
 رده بندی دیویی : ۳/۶۲۳۸
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۹۲۵۰۰



تلفن: ۰۹۱۲۳۳۳۳۰۶۸ - ۶۶۰۲۴۲۶۵

آتوسا

مهین بانوی هخامنشی

نویسنده: حسن شهیدا

نوبت چاپ: نخست ۱۳۹۲ • شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان • شماره نشر: ۱۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۲۷-۱۰-۹

© حلق چاپ: ۱۳۹۲، نشر باد

سخن آغازین

نویسنده این کتاب اگرچه به تاریخ - و بویژه تاریخ ایران - علاقه وافری دارد - و در این زمینه بسیار مطالعه کرده و مقالات و کتاب‌هایی نوشته است، کتاب پیش‌پا نیاده خود را «مورّخ» و حتی «تاریخ‌دان» نمی‌داند. و اما: درباره کتاب در دست دارید، توضیح این نکته لازم است که در حدود پنجاه سال پیش کتابی دست دوم، با قطع جیبی و کاغذ کاهی و حروف چینی دستی، با عنوان «ختر کورش» به مبلغ پنج ریال خریدم که به قلم شخصی به نام «...» [نام نامی] چندی پیش آن را در میان کتاب‌هایم یافت‌م و مجدداً ورق زدم. بیعتاً نثر این کتاب کوچک ۱۵۰ صفحه‌ای - که محققاً بیش از شصت سال پیش نوشته شده - برای امروز کهنه است و غیر از اغلاط املایی، بسیاری از اشکات و قواین لازم نویسندگی و تاریخی در آن رعایت نشده است، و اما همین نوشته مرا بر آن داشت که این ماجرا را با جرح و تعدیل مطالب و افزودن چند بخش، همراه با توضیحات لازم، به منظور آگاهی بیشتر تاریخی و یادداشت‌های زیبایی در قسمت‌های افسانه‌ای، به صورت کتابی دلپذیر، با نثر ساده و روان، به هم میهنان خود، بویژه نوجوانان و جوانان، تقدیم کنم. باشد که شوق جوانان را برای مطالعه تاریخ کشورشان برانگیزم.

حسن شیدا

زمستان ۱۳۸۷

پیش‌گفتار

نگویند از سر بازیچه حرفی
کز آن پندی نگیرد صاحب‌هوش

«سعدی»

هرچند که تاریخ‌دانان و تاریخ‌نویسان میانه‌ای با افسانه‌های تاریخی ندارند، ولی چه بخواهند یا نه، این‌گونه نوشته نیز جُزیی از ادب فارسی است.

افسانه‌ی تاریخی تاریخ نیست، اما از تاریخ نیز جدا نیست. چرا که پایه‌اش بر تاریخ و مایه‌اش از وقایع تاریخی است.

از استثنا که بگذریم، هیچگاه نوجوانان به بررسی‌های خشک تاریخی دل نمی‌دهند، و بسیاری از آنان هم که بعدها به این رشته علاقه‌مند می‌شوند، کسانی هستند که در کودکی و نوجوانی افسانه‌ی تاریخی را به رغبت می‌خوانند. پس افسانه‌ی تاریخی دست کم می‌تواند اثره‌ای برای توجّه به تاریخ باشد.

افسانه، زاینده‌ی تفکر و تخیل نویسنده است و همواره مورد توجّه آدمیان بوده است. قصّه‌ی مادر بزرگها، نوه‌ها را به خواب می‌برد و شرح نبرد رستم و سهراب اشک به دیده‌ها می‌آورد، و داستانهای «کلیله و

دمنه» و «مرزبان نامه» و «قابوس نامه» و «گلستان» و... آموزنده بوده است، و افسانه‌ای که آموزنده باشد، و هم مایه‌ی سرگرمی، چرا نباشد؟ آشنایی من با تاریخ و رغبت من به آن در نوجوانی نیز از علاقه‌ی من به افسانه‌های تاریخی سرچشمه گرفت. می‌دانستم که نویسنده به یاری روی تخیل خود، از یک حادثه‌ی کوچک ماجرای پر آب و تابی ساخته و پرداخته است، لذت می‌بردم.

هیچ کس در خلدت عاشقانه‌ی کورش و داریوش و خسرو پرویز و شاه عباس و دیگران در دسترس من نبود. هیچ کس در چادر یعقوب و شاه اسماعیل و نادر و لطفعلی خان زند و آغا محمدخان - هنگامی که در ذهن خود نقشه‌های جنگی را بررسی می‌کرده‌ام - نبوده است، اما شرح آن را به نیروی تفکر و تخیل نوشته‌اند. بخشی از تاریخ، تاریخی است. بخشی نیز بر اثر حدس نویسنده، ناشی از شناختن و شخصیت قهرمان افسانه و بررسی زمان و مکان و فرهنگ، به حقیقت نزدیک است، و قسمتی نیز افسانه‌ی صرف است، و این نیز خوانندگان خود را در دسترس می‌گذارد. کتابی که در دست دارید نیز بدین گونه است. افسانه‌ی تاریخی.

آنان که خواهان افسانه‌اند، لذت می‌برند، و آنان که بر سرش آموختند، آگاهیهای مختصری درباره‌ی رویدادهای سالهایی از گذشته می‌یابند. که اتفاقاً کمتر در این باره نوشته‌اند. به دست می‌آورند و در قالب افسانه با نام اشخاص، مکانها، تاریخها، آداب و رسوم، دین و مذهب، تاریخی درست شاهان و فرمانروایان، صنایع، افکار، ویژگیهای اخلاقی، جنگها، طبقات اجتماعی، چگونگی زندگی، و و... در آن روزگار آشنا می‌شوند که این خود، بدون کمترین زحمتی، آموزش است، و چه قدر پسندیده

است اگر نویسندگان این‌گونه نوشته‌ها، با کمی زحمت و اندکی دقت، با مراجعه به مدارک و مآخذ، متنی هرچه نزدیکتر به واقع را ارائه کنند. به هر حال، نام «بردیای دروغین» را همه شنیده‌اند، اما آنان که با متون تاریخی سر و کاری ندارند، تنها نام را تا یاد دارند و اینجاست که به سسانه‌های تاریخی کارآیی خود را نشان می‌دهند، به شرطی که نویسنده اصل تاریخ را بی‌گروگون و بی‌پایه نسازد و نیروی تخیل خود را تنها برای جنبه‌ای نمایشی مآجرها به کار گیرد.^(۱)

۱- چرا مثالی نزنم؟ از نویسنده نامی نمی‌برم، اما به فطرت‌ترین کتابی که درباره‌ی لطفعلی خان، دلاور زند، نوشته شده است مراجعه کنید تا ببینید نویسنده، معشوق لطفعلی خان را نیز در پایان عمر - که کور بود - با او در یک زندان نشانده و قاتل را به دست مقتول (لطفعلی خان) کشته است!